

تفات های گفتار و کردار رهبران جمهوری اسلامی ایران ! انقلابی دیگر باید کرد!

پس از گذشت 31 سال از حاکمیت جمهوری اسلامی بر ایران، مقایسه و عدهای داده شده و اعمال انجام شده، عبرت انگیز است. آموزنده است توجه کنیم که روح الله خمینی، رهبر بلامنازع نظام، چه وعده هائی را میداد و امروز پس 31 سال وضعیت در شهرها و دهات ایران چگونه است. همپنطور به سخنان دیگر رهبران و صاحب منصبان رژیم که در گفتار مدعی میشوند که نظام اسلامی، عین دمکراسی است، اما به هیچ نتابند مخالف نظر دستگاه ولایت و شخص ولی فقیه، اجازه ابراز نظر نمیدهند.

خمینی در گفتار مدعی میشد که "معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دیم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم." و یا "پیامبر نیز خودش یک کارگر بود...". اما، در عمل دستور قتل عام هزاران هزار معلم، کارگر، دانشجو، دانش آموخته، استاد دانشگاه، نویسنده و ... زن و مرد، پیر و جوان را، بدون تامل و در نهایت درنده خوئی صادر کرد. اشاره من از جمله به صدور فرمان اجرای قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 1367 است.

خمینی در بیان به مردم میگفت؛ "مسکن برایتان میسازیم. آب و برق را مجانی میکنیم". اما در عمل دستور حمله و بمباران ضد بشری شهرهای کردستان را صادر کرد! به ترکمن صحرا و خوزستان حمله برد و خانه مردم را بر سرشان خراب و فعالان سیاسی، اجتماعی را از دم تیغ گذرانید. اکنون خامنه ای و رئیس جمهور جنایتکارش که مردم را خس و خاشاک می‌نامد و در سفرهای استانی شان به مردم " وعده های سر خرمن" میدهند که به آنان رفاه و بهروزی هدیه خواهند نمود، پس از 31 سال که نظام جهمی اسلامیشان، مردم را خانه خراب نموده و در رابطه با خیزش اعتراضی یک ساله گذشته نیز تنها پاسخ شان زندان، شکنجه، اعمال تجاوزات جنسی و اعدام بود است، برای تعمیق دستبرد به نان از سفره کارگران و زحمتکشان، طرح "لایحه هدفمند کردن یارانه ها" را در دستور کارشان قرار داده اند.

31 سال مقاومت و مبارزه مردم در مقابل نظام جهل و جنایت جمهوری اسلامی، اعتصاب عمومی سراسری مردم در کردستان و پیش از آن آغاز و تداوم خیزش اخیر مردم در ایران در این مقطع، نشانه هائی جدی از این امر است که اکثریت عظیم، قدر قدرتی نظام ولایت را به چالش کشیده اند. به عبارت دیگر همه و همه نشان میدهند که مردم زحمتکش و محروم ایران، در تداوم تعمیق آگاهی های ذهنیشان، اکنون دورانی را آغاز نموده اند که قاعدتاً تمامی این آگاهی های ذهنی میبایست در عمل بکار گرفته شود.

اگر اثرات این آگاهی ها را در عمل توده ببینیم، آنگاه، شرایط ذهنی مادیت یافته در عمل توده ها، نوید بخش آغاز پدیداری شرایط عینی ای است که تغییراتی گسترده را می طلبد. تغییراتی که تنها با پدیداری انقلاب، پاسخ شایسته خود را دریافت خواهند نمود.

زمینه ساز و تضمین کننده پایداری آن انقلاب - که حق تعیین سرنوشت جامعه، توسط خود مردم حراست میشود - علاوه بر تعمیق آگاهی، سازماندهی کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران تحت ستم کشورمان است. امید که آن روز، دور مباد.

اکنون توجه شما را به سخنان روح الله خمینی در بهشت زهرا در 12 بهمن 1357 جلب میکنم و در پایان با ارائه تصاویری از بلوچستان ایران، قضاوت در رابطه با وعده وعیدهای خمینی و دیگر رهبران و صاحب منصبان این رژیم را به شما واگذار مینمایم. خمینی در آن زمان چنین میگفت:

" علاوه بر این که زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشد، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند این‌ها. دلخوش به این مقدار نباشید که فقط مسکن می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم، اتوبوس را مجانی می‌کنیم. دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دیم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم. ما هم دنیا را می‌آباد می‌کنیم و هم آخرت را. این دارایی ها از غنای ملت است و مال ملت است و مستضعفین. من امر کرده ام که به مستضعفین بدهند و خواهند داد. و پس از این هم تغییراتی دیگر در امور خواهد حاصل شد. لکن قدری باید تحمل کنید. به این حرفهای باطل گوش نکنید. این‌ها حرف می‌زنند. ما عمل می‌کنیم. اینها شما را می‌خواهند دلسرد کنند از اسلام. اسلام پشتیبان شماست"

اکنون پس از گذشت 31 سال از حاکمیت جمهوری اسلامی، توجه شما را به تصاویری از بلوچستان جلب میکنم. اینها " مشت نمونه خروار است." ، زیرا نظیر این تصاویر را در استان های دیگر کشورمان نیز میتوانیم مشاهده بکنیم.





